



شهید ایرج رستمی  
(۱۳۶۰-۱۳۲۰ ه.ش)

از شهدا و فرماندهان ستاد جنگ‌های نامنظم در دوران دفاع مقدس و از یاران نزدیک شهید دکتر مصطفی چمران بود و با در یک روز و در یک مکان به شهادت رسید. شهید رستمی در آشخانه بخنورد به دنیا آمد و در مشهد درس خواند. او بعداً و با دارا ترش شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ستاد جنگ‌های نامنظم پیوست و در کردستان و خوزستان، شجاعت‌ها و رشادت‌های فراوانی از خود نشان داد.

## بازیگران تاریخ



درباره برادران رشیدیان  
و زندگی مرموز آن‌ها

## ۳ تنگدار در بار پهلوی!

خاندان «رشیدیان» از جمله خاندان‌های تأثیرگذار در سیر تحولات تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران،



اسدالله رشیدیان

حبیب‌الله رشیدیان در رأس این خاندان مرموز قرار داشت. روایات متعددی درباره پیشینه‌ی وجود دارد؛ برخی از این روایت‌ها، حبیب‌الله را اخدمتکار یا در شکه‌چی سفارت انگلیس معرفی می‌کند؛ اما واقعیت این است که او یک مستخدم ساده نبود؛ بسیاری از مقامات سیاسی به حبیب‌الله اعتماد داشتند و او را واسطه رساندن پیام‌های محرمانه به سفارت بریتانیا قرار می‌دادند. حبیب‌الله رشیدیان پس از آشنایی با سید ضیاءالدین طباطبایی، او را به مقامات سفارت انگلیس معرفی کرد و بعدها، رابط سیدضیاء و سفارت انگلیس بود.

## ■ فرزندان به‌جای پدر

حبیب‌الله در دوران رضاشاه، مورد غضب و شاید سوءظن وی قرار گرفت و مدتی به زندان افتاد؛ اما پس از شهریور ۱۳۲۰ و بازگشت دوباره سیدضیاء به ایران و تأسیس حزب اراده ملی، دوباره سرو کله‌او در محافل سیاسی پیدا شد و این بار، فرزندان، سیف‌الله، قدرت‌الله و اسدالله، هم با حمایت سفارت، رشد و ترقی خود را آغاز کردند. برادران رشیدیان، به خصوص در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نقشی اساسی و محوری را بر عهده گرفتند. کمیوت روزولت، طراح و مجری کودتا، در خاطرات خود تصریح می‌کند که در مرداد ۱۳۳۲، «ایم‌با برادران رشیدیان در تماس بوده‌است. این تماس‌ها، البته محرمانه و دور از نظر عمومی بود. آن‌ها نقش اصلی را در به‌معرفی آوردن کمپن‌ها و اراذل تهران ایفا کردند و آن‌ها را به جان طرفداران مصدق انداختند.

## ■ کوچ به سفارت آمریکا!

نقش این سه برادر، در خدمت به سفارت انگلیس محدود نماند. آن‌ها پس از کوتاهی ۲۸ مرداد، موضع خود را از انگلیس، به آمریکا تغییر دادند و این بار با سفارت ایالات متحده، نزد عشق باختند! نزدیکی برادران رشیدیان به آمریکایی‌ها آن قدر بود که در جریان برنامه‌های آتی یانکی‌ها در ایران هم قرار داشتند؛ موضوعی که حتی شاه هم، از همه‌ی زوایای آن مطلع نبود. برادران رشیدیان که نقش عمده‌ای در بازگرداندن شاه به قدرت ایفا کرده بودند، مورد حمایت دربار قرار گرفتند و توانستند از قبل این حمایت، ثروت کلانی به جیب بزنند. اما عمر دو نفر از آن‌ها، آن قدر طولانی نشد که روزهای توفانی انقلاب اسلامی را ببینند. سیف‌الله و قدرت‌الله، اوایل دهه ۱۳۵۰ فوت کردند و اسدالله، که نسبت به برادرانش، نقشی محوری‌تر در جریانات سیاسی و اطلاعاتی داشت، با آغاز انقلاب اسلامی، از ایران گریخت و در لندن ساکن شد. او اوایل دهه ۱۳۶۰ در لندن درگذشت.

**پذیرش غیر حضوری آگهی‌های**  
**تبریک، تقدیر و تشکر**  
**پذیرش تلفنی:**  
**۳۷۰۰۹۹۹۹**  
**پذیرش تلگرامی:**  
**۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰**

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۸/۳۰۴**  
**خرید کلید ( سکسپور ) قابل قطع زیر بار گازی**  
**( نوبت اول )**  
این شرکت در نظر دارد ۵۰ دستگاه کلید ( سکسپور ) قابل قطع زیر بار گازی طبق مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه را از محل اعتبارات طرح تملک دارائی‌های سرمایه‌ای ( عمرانی )، از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ( ستاد ) خریداری نماید. لذا از تمامی تولید و تامین کنندگان واجد صلاحیت دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات تکمیلی به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.  
۹۸-۳۸۲۲۲

**دیدگاه مورخ**  
**عبدا... شهبازی**  
کتابی به انگلیسی منتشر شد با نام «شاهراه فرماندهی: یادداشت‌های روزانه سرلشکر سرداموند آبرونساید، ۱۹۲۱-۱۹۲۰»؛ که نام لرد آبرونساید، پسر ژنرال آبرونساید، به عنوان «ویراستار» کتاب بر آن درج شده بود. در سال‌های بعد، کتاب مذکور مورد توجه مورخان و علاقه‌مندان به تاریخ سیاسی و سیاست و مکر مورد استناد قرار گرفته‌است. در نظر اول، گمان می‌رود که انتشار یادداشت‌های روزانه ژنرال آبرونساید، در مقطع زمانی کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، رازی از راه‌های بزرگ تاریخ ایران را آشکار کرده‌است. ولی با گذشت زمان روشن شد که این کتاب نه برای روشنگری، بلکه با انگیزه

**سرکار خانم فرناز خرقانی**  
**موفقیت عالی در رشته تخصصی رادیولوژی مشهد**  
را به شما و **دکتر حمید عزیز تبریک** می‌گویم.  
**خاله فهیمه و امیر و حانیه**  
۹۸-۳۷۸۳۵

**شیرین خورشید**  
تبریک عرض نموده و از خداوند منان توفیق روزافزون و بهروزی شما را خواستاریم  
**دکتر مجید مخملباف و بانو**  
**دکتر امیر محمود مخملباف**  
۹۸-۳۸۲۲۲

## روایتی از آخرین لحظات حیات سردار رشید اسلام

# چمران، ۳۰ دقیقه تا پیمشت

## جواد نوآنیان رودرسی

info@khorasannews.com

سحرگاه روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰، با یک خبر ناگوار آغاز شد؛ ایرج رستمی، فرمانده محور دهلاویه، در صحنه نبرد شربت شهادت نوشید و به دیدار معبود شتافت. او قهرمان پرافتخار دکتر چمران بود؛ وقتی در کردستان، پا به پای سردار نبرد کرده بود و همراه یکدیگر مجروح شده بودند، چمران برای او نوشت: «دوست عزیزم، آقای رستمی، قهرمان پرافتخار ما! هر وقت که به تو فکر می‌کنم از شدت شوق قلبم می‌لرزد و اشک در چشمانم حلقه می‌زند. امیدوارم که هرچه زودتر صحت و سلامت خود را بازیابی و با هم در کوه‌ها و دشت‌ها و دره‌ها و در خطرناک‌ترین سنگرها برای پاسداری از ایران و انقلاب فداکاری کنیم.» وقتی خبر شهادت او را به دکتر رساندند، سراسر وجودش غرق اندوه شد؛ به سرعت از جا برخاست و به دوستانش گفت که برای بررسی وضعیت جبهه دهلاویه، به آن‌جا خواهد رفت.

دشمن از شب گذشته، دست به پاتک سنگینی در منطقه زده و باران گلوله‌های توپ، باعث شهادت بسیاری از رزمندگان شده بود. دکتر چمران، پیش از آن که مقرر ترک کند، رو به دوستان قدیمی خود کرد و با صدایی بغض‌آلود گفت: «خدا رستمی را دوست داشت و بُرد و اگر ما را هم دوست داشته باشد، می‌برد.»

## ■ وداع با یاران

دکتر با همه‌ی خداحافظی کرد. صورت همه‌ی یاران را بوسید؛ حتی سراغ آن‌هایی رفت که خواب

## درباره قابل اعتماد نبودن آبرونساید

## «شاهراه فرماندهی» به بیراهه ختم می‌شود!

گمراه کردن ما در شناخت حقایق تاریخی تدوین و منتشر شده‌است. جایگاه ژنرال آبرونساید در تاریخ معاصر ایران، رازی نامشوف نبود. پیش از انتشار «شاهراه فرماندهی»، به ویژه در سال‌های پس از سقوط رضاشاه، بسیار کسان درباره نقش ژنرال دانسترویل و ژنرال آبرونساید در برکشیدن رضاحان و کودتای ۱۲۹۹ نوشته بودند. بنابر این، انتظار می‌رفت انتشار یادداشت‌های روزانه ژنرال آبرونساید ابهامات موجود را در این زمینه مرتفع کند و متنی قابل استناد به دست دهد. متأسفانه چنین نبود. در اسنادی که در زمان انقلاب از خانه امیراسدالله، علم، وزیر دربار و دوست صمیمی محمدرضا پهلوی و شاپور ریپورت، به دست آمده، اوراقی موجود است که اصالت کتاب «شاهراه

فرماندهی» را مخدوش می‌کند. مهم‌ترین این اسناد، دستنویسی است با عنوان «خاطرات فیلد مارشال لرد آبرونساید فقید» که حاوی چند برگ از یادداشت‌های روزانه ژنرال آبرونساید است. در سال ۱۳۷۳، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی که اندکی بعد به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تبدیل شد، این اوراق را به همراه ترجمه جدیدی از کتاب «شاهراه فرماندهی»، با عنوان «خاطرات سری آبرونساید»، منتشر کرد. ترجمه اوراق مذکور، در صفحات ۳۲۱ تا ۳۸۴ کتاب درج شده‌است. ارائه نامناسب این سند مهم، سبب شد تحت‌الشعاع متن مفصل کتاب «شاهراه فرماندهی» قرار گیرد. توضیحات مقدمه کتاب نیز سانسیت و چندان روشن نمی‌کند که متن



مطالبی نیز از قول احمد شاه در تأیید قرار داد ۱۹۱۹ به آن افزوده شده است؛ موضوعی که واقعیت ندارد. منبع: shahbazi.org

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ ☎ layout@khorasannews.com ✉

## صفحه آرایی

## جناب آقای دکتر امیدشادکام

## فوق تخصص گوارش و کبد

افتتاح مطب را به شما و

## سرکار خانم دکتر نجمه حسینیان

تبریک عرض نموده و از خداوند منان توفیق روزافزون و بهروزی شما را خواستاریم

## دکتر مجید مخملباف و بانو

## دکتر امیر محمود مخملباف

۹۸-۳۸۲۲۲

## ۶۶

شهید چمران: «ای پاهای من! سریع و توانا باشید، ای دست‌های من قوی و دقیق باشید، ای چشمان من تیزبین و هوشیار باشید، ای قلب من، این لحظات آخرین را تحمل کن، دیگر به شمای بی‌خوابی نخواهم داد و شما دیگر از خستگی فریاد نخواهید کرد. از در دو شکنجه‌ضجه نخواهید زد. از گرسنگی و گرما و سرما شکوه نخواهید کرد و برای همیشه در بستر نرم خاک، آرام‌آرام سوده خواهید بود؛ اما این لحظات حساس، لحظات رقص من در برابر مرگ، باید زیبا باشد!»

از خستگی فریاد نخواهید کرد. از در دو شکنجه‌ضجه نخواهید زد. از گرسنگی و گرما و سرما شکوه نخواهید کرد و برای همیشه در بستر نرم خاک، آرام‌آرام سوده خواهید بود؛ اما این لحظات حساس، لحظات وداع با زندگی و عالم، لحظات لقای پروردگار، لحظات رقص من در برابر مرگ، باید زیبا باشد!»

## ■ کسی دنبال من نیاید

به دهلاویه رسید. با آن که صدای خمپاره و گلوله و غریو رزمندگان از هر سو به گوش می‌رسید، اما انگار چمران چیزی نمی‌شنید؛ لیکن در بر لبانش نقش بسته بود. یاران شهید رستمی را جمع کرد و دقایقی برای آن‌ها سخن گفت. آن‌گاه خواست که صحنه نبرد را از نزدیک واریسی کند؛ به همراهانش گفت که برای توجیه فرمانده جدید، ضروری است که این کار انجام شود. یاران به دنبالش راه افتادند و او، مثل همیشه، چابک و سریع، حرکت می‌کرد. لحظاتی بعد، به میعادگاه رسید. به همراهانش گفت که دیگر به دنبال او نیایند؛ در برابر اصرار آن‌ها برای همه‌ی، فقط دستورش را تکرار کرد. دوربین به دست، خود را به گودالی رساند. درست در همین زمان بود که باران خمپاره‌های دشمن، بر سر رزمندگان اسلام باریدن گرفت. چند ثانیه بعد، غریو یک خمپاره و انفجار آن کنار دکتر مصطفی چمران، آخر ماجرا را رقم زد؛ ترکش به سینه و گردن سردار رشید اسلام اصابت کرده بود؛ فریاد درآلود رزمندگان، فضای محنت‌زده دهلاویه را پر کرد؛ چمران به سوی معبود پرکشید.

## گزارش تاریخی



رهاورد سفر به ترکیه  
برای رضاشاه چه بود؟

## غربی شدن پهلوی به سبک آتاتورک



رضاشاه در کنار آتاتورک

رضاشاه در خرداد ۱۳۱۳، در رأس هیئتی بلندپایه که شامل ۱۷ نفر می‌شد و بیشترشان کارشناسان نظامی بودند، به ترکیه سفر کرد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پیامد این سفر، اجرای الگوی نوسازی آتاتورک در ایران بود که با الگوهای نوسازی دموکراتیک یا نوسازی کمونیستی تفاوت فاحش داشت. رضاشاه به تقلید از آتاتورک، ظواهر و رویایی را از او برقرار داد و به زعم خودش، سیاست غربی‌سازی را پیش گرفت. با این حال، رویکرد رضاشاه نیز، مانند آتاتورک و بلکه بدتر از او، سه معضل عمده‌ی نفع می‌برد؛ نخست رویکرد آمرانه برای ایجاد، دوم، نادیده گرفتن بنیان‌های اعتقادی، دینی و حتی ملی مردم و سوم، نگاه سطحی به مقوله تغییرات. در این بین، شاید بتوان گفت آن‌چه رضاشاه، بیش از هر چیز دیگر، در عمل و به تقلید از آتاتورک در دنبال کرد، مقابله با اسلام و جریان اسلام‌خواهی بود. با اعلام نظام جمهوری در ترکیه، آتاتورک و دوستانش، طی حرکتی نمادین، پایتخت ترکیه را از استانبول که نماد اسلام‌خواهی بود، به آنکارا انتقال دادند و به این ترتیب، عصر جدیدی در تاریخ معاصر ترکیه آغاز شد؛ عصری که در آن دیگر نشانی از امپراتوری عثمانی که نماد جریان اسلام‌گرایی تلقی می‌شد، وجود نداشت. افزون بر این، آتاتورک در چهار دوره ریاست جمهوری خود، با تغییرات بنیادین در زمینه برنامه‌های آموزشی، سعی کرد آموزه‌هایی مبتنی بر رویکردی ملی‌گرایانه، به‌خورد مردم ترکیه بدهد؛ رویکردی که مبتنی بر برتری نژاد ترک نسبت به نژادهای دیگر و تأکید بیش از پیش بر این مسئله مجعول تاریخی بود که اسلام موجب عقب‌ماندگی ترک‌ها شده‌است. او تمام هم‌وغم خود را معطوف به این مسئله کرد تا سیاست غرب‌گرایانه و ملی‌گرایانه خود را با حمله به اسلام سازمان‌دهی کند. رضاشاه نیز به‌تأسی از آتاتورک که، در همین راه گام برداشت. او بر گزاری بسیاری از مراسم مذهبی، همچون تعزیه‌خوانی در سوگ امام حسین (ع) را ممنوع یا محدود کرد؛ صدور روایت برای متقاضیان زیارت مکه، مدینه، نجف و کربلا متوقف و فرمان تصرف کلیه موقوفات مذهبی از سوی پهلوی اول صادر شد. ملی‌گرایی رضاشاه نیز، تنها در ادراک قبل از اسلام را در بر می‌گرفت و بسیاری از نمادهای افتخار ایران، مانند ابن‌سینا، رازی و... را نادیده فرض می‌کرد. با این حال، مهم‌ترین شاخص و نشانه‌ای که آتاتورک در جریان مقابله با اسلام در پیش گرفت و رضاشاه نیز، بسیاری از تأثیرپذیرفت، مسئله مقابله با حجاب و تلاش برای حذف آن از جامعه بود. در همین زمینه، مستشار الدوله، سفیر ایران در ترکیه، در خاطرات خود نوشته‌است: «رضاشاه پس از ضیافتی که حزب خلق ترکیه به مناسبت حضور او ترتیب داده بود، در تالار عمارت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و هر گاهی با صدای بلند می‌گفت: عجب! عجب! ما این حد پیشرفت و ترقی کرده‌باشند و در اقتباس تمدن از اروپا پیش‌رفته‌باشند. حال می‌بینم که مایلی عقب‌مانده‌ایم به‌خصوص در قسمت تربیت زنان.» نتیجه این تأثیرپذیری، رقم خوردن ماجرای غم‌انگیز کشف حجاب در ایران بود.

## جناب آقای دکتر امیدشادکام

## فوق تخصص گوارش و کبد

افتتاح مطب و ارتقاء شغلی جدید را به شما و

## سرکار خانم دکتر حسینیان

تبریک عرض می‌نمایم و آرزوی موفقیت در تمامی مراحل زندگی‌تان را دارم

## دکتر ابوالفضل حسین زاده

## دکتر آسانا مخملباف

۹۸-۳۸۲۲۷